



# ماهیت و الزامات مواجهه با نظام آمریکا

## در اندیشه امام خمینی

حجت‌الاسلام محمد عابدی عضو هیئت علمی گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

امام در مسیر ایجاد تحول در سرنوشت ملت ایران (به‌تعبیر رهبر شهید<sup>علیه‌السلام</sup>) صرفاً نقش یک معلّم و استاد و مدرّس نداشت؛ بلکه نقش یک فرمانده داخل در عملیات و نقش یک رهبر به‌معنای واقعی را داشت. بر اساس همین نگاه، ملت و کارگزاران نظام اسلامی در مسئله تعامل با قدرت‌های سیاسی (به‌عنوان یکی از مسائل مهم فلسفه سیاسی جمهوری اسلامی)، نیازمند الگوی فکری امام و یافتن افقی هستند که انگشت اشاره امام به آن سوی جهت‌گیری شده است. در مسئله تعامل با قدرت‌های موجود نیز بی‌گمان مواجهه اصلی ما از آغاز انقلاب و حتی قبل از آن تا به امروز با «نظام حاکم بر آمریکا» بوده است، از این حیث بازشناخت نوع نگاه امام به این قدرت جهانی، نقش مهمی در فهم سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی در برابر آمریکا دارد که طراحی و راهبری آن بر دوش رهبر شهید انقلاب بود.

#### ۱. اشاره اول: ماهیت استکباری نظام آمریکایی

امام ذات رژیم آمریکا را سلطه‌جویی می‌داند که نتیجه آن، تلاش برای بلعیدن منابع کشورهای تحت سلطه است و به‌همین جهت آمریکا را دشمن شماره یک مستضعفان جهان می‌داند. از منظر امام «آمریکا می‌خواهد که همه کشورها را زیر نفوذ خود داشته باشد» (صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۸۶) و «دولت آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحتسلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است.» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۳)؛ بنابراین این انتظار تعامل سازنده و بازی برد– برد با چنین رژیمی دور از فرهنگ و اشارات امام به نظر می‌رسد. شاهد اینکه این رژیم همواره هر جا منافعش تأمین نشده، در برابر هر نظامی با هر میزان از قدرت، زیر میز زده و بازی را به هم ریخته است و حتی قواعد بازی در نظام بین‌الملل را نیز بارها به سخره گرفته است.

#### ۲. اشاره دوم: تفکیک نظام حاکم از مردم آمریکا

امام مردم آمریکا را از رژیم آمریکایی جدا می‌داند و در راهبری مطالبات مردمی، مطالبات را به سمت رژیم آمریکایی سوق می‌دهد. از نظر ایشان «این ملتی که الآن دارند فریاد می‌زنند: «مرگ بر آمریکا»، مقصودشان کارتر است؛ ملت آمریکا که به ما کاری نکرده، ملت آمریکا اگر بفهمد مطلب را، ملت آمریکا به حسب وجدان انسانی‌اش، با ما موافق است.» (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۹) این عبارت مصداق همان انگشت اشاره امام است که امروزه با توجه به گسترش رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی و دیپلماسی رسانه‌ای و عمومی، ما را به سمت عملیاتی‌کردن تفکیک مردم از نظام آمریکا راهنمایی می‌کند و اینکه جمهوری اسلامی، باید از ظرفیت‌های خود برای نشان دادن این شکاف واقعی به مردم آمریکا استفاده کند. در شرایط کنونی که موج توفنده اعتراضات مردمی به بی‌عدالتی و تبعیض، سراسر آمریکا را فراگرفته، به‌روشنی می‌توان سرنخ‌های جدایی مردم آمریکا از نظام سیاسی آن را تبیین کرد.

#### ۳. اشاره سوم: آمریکا دوست و دشمن نمی‌شناسد

ماهیت نظام استکباری، ابتنای روابط بر مدار سلطه‌گری است؛ ولی مهم این است که بازیگران سیاسی ما در احزاب و جمعیت‌ها و بدنه نظام کشور، باور کنند سلطه‌گری مستکبران مرز نمی‌شناسد، خودی و بیگانه ندارد، از این جهت دولت مستکبر برای رسیدن به هدفش همه را فدا می‌کند. از منظر امام دشمنان ملت ایران و دشمنان مستضعفان «برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود، دوست و دشمن را نمی‌شناسند و در رأس آنان آمریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده ..» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۲). انگشت اشاره امام در این عبارت از وصیت‌نامه، نشان می‌دهد که دولت اسلامی

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا

بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل‌عمران / ۱۶۹)؛ هرگز مپندار کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند؛ بلکه آنان زندگان در پیشگاه پروردگارند که (با چنین حیاتی) روزی داده میشوند.

قید «عِنْدَ رَبِّهِمْ» در جمله اخیر این آیه، از نظر ادبی احتمالاتی دارد که هریک بر ثبوت مقام فاخری برای شهدا دلالت دارد؛ در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

یک احتمال این است که «عِنْدَ رَبِّهِمْ» ظرفی است که به کلمه «احیاء» تعلق دارد و متمم معنای حیات است و نوع و مرتبه این حیات را بیان می‌کند؛ در این احتمال معنی جمله این می‌شود که شهدا، حی و زنده در حیات عنداللهی هستند؛ یعنی مرتبه حیات آن‌ها، مرتبه حیات خدایی است. توضیح اینکه حیات، مراتبی دارد؛ مثلاً حیات دنیایی، مراتبی مثل حیات نباتی، حیات حیوانی و حیات انسانی دارد و نیز در مقام مقایسه حیات عوالم گوناگون با همدیگر، باید گفت که حیات عالم برزخ، بالاتر از حیات دنیایی است و حیات عوالم عقلی بالاتر از حیات عوالم برزخی است و حیات عالم اسماء، بالاتر از حیات عقلی است. بر اساس احتمال فوق‌الذکر آنچه نصیب شهدا می‌شود، ورود به عالم اسماء و دست‌یابی به حیات عالم اسماء است که شاخص اصلی

آن اسم «الحی» خداوند است و البته روشن است که این حیات، اصالتاً به ذات الهی اختصاص دارد و با ورود شهدا به جنت ذات، تبعاً به آن‌ها تعلق می‌گیرد: «فَاذْخُلُوا فِي عِبَادِي وَادْخُلُوا جَنَّاتٍ» نیز بر اساس این احتمال، کلمه «يُرْزَقُونَ» می‌تواند متمم همین معنا باشد و معنی‌اش این است که آنچه به شهدا روزی داده می‌شود، همان حیات اسم «الحی» است و این یعنی رسیدن شهدا به مقام فنا در عالم اسمای الهی و زنده‌شدن به اسم «الحی» که خود در پرتو اسم جامع «الله» محقق می‌گردد.

احتمال دیگری که از نظر ادبی برای «عِنْدَ رَبِّهِمْ» هست، این است که این قید به فعل یا وصف محذوفی مثل «یکونون» یا «مستقرون» تعلق داشته باشد؛ حاصل معنی در این احتمال، این می‌شود که شهدا، زنده و در مقام عنداللهی مستقرند و در آنجا روزی می‌خورند؛ بر اساس این احتمال، مرتبه وجودی شهدا مرتبه عنداللهی است که این نیز با رسیدن شهدا به مقام فنای در عالم اسمای الهی محقق می‌گردد؛ فرق دو معنای گذشته این است که معنای اول، حیات شهدا را در مرتبه و مقام عنداللهی معرفی می‌کند؛ اما در معنای دوم، مرتبه وجود فانی‌شده شهدا را در مرتبه و مقام عنداللهی قرار می‌دهد که بالتبع، حیات‌شان نیز در همان مقام قرار می‌گیرد.

احتمال سوم این است که قید «عِنْدَ رَبِّهِمْ» به

فعل «يُرْزَقُونَ» تعلق داشته باشد و متمم معنای این فعل باشد؛ حاصل معنی در این احتمال، این می‌شود که شهدا زنده و در مقام عنداللهی روزی داده می‌شوند؛ بر اساس این احتمال، مقام عنداللهی، به روزی شهدا مربوط می‌شود؛ یعنی مرتبه رزق و روزی شهدا را بیان می‌کند؛ ولی این احتمال سوم نیز مستلزم این است که شهدا هم مرتبه وجودشان و هم مرتبه حیات‌شان، همان مقام عنداللهی باشد؛ زیرا روزی آن‌ها وقتی در این مرتبه است که خودشان و حیات‌شان در آن مقام باشند؛ چون رزق در صورتی در مرتبه اسماء و صفات خداوند خواهد بود که مرزوقی که این رزق را دریافت می‌کند، در این مرتبه و مقام باشد؛ بنابراین این احتمال هم وقتی حاصل می‌شود که شهید با صیوررت الی‌الله به مقام فنا در عالم اسمای الهی رسیده باشد.

در هر صورت طبق مفاد این آیه، شهید با شهادتش در راه خدا، به مقام عنداللهی نائل می‌شود و وجودش و حیاتش و روزیش همه عنداللهی است؛ بنابراین لذت وصول به چنین مقامی از لذت هر بهشت و جنت دیگری که در مقامات دیگری تشکیل می‌شود، بالاتر و عالی‌تر است؛ بلکه لذت جنات و بهشت‌های امکانی اصلاً با لذت مقام عنداللهی قابل مقایسه نیستند؛ از این‌روست که اولیای الهی برای رسیدن به توفیق شهادت و نتایج پربارش، بی‌تابی و ناشکیبایی می‌کنند.



بی‌درد و در یک کلمه، اسلام آمریکایی باشد.» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۰) آیا متولیان فرهنگی و رسانه‌ای و هنری در چهل سال گذشته در مسیر این انگشت اشاره امام حرکت کرده‌اند؟

#### ۶. اشاره ششم: همراهی و همدلی

#### با به‌چالش‌کشندگان قدرت آمریکا

از منظر امام، کارگزاران و ملت ایران علاوه بر عرصه عمل، در عرصه معنوی و عاطفی و انسانی نیز نسبت به مواجهه‌گران با نظام آمریکایی تکلیف سیاسی دارند؛ همدلی و دلسوزی که بالاترین مرتبه آن دعا برای مبارزان با قدرت استکباری است، از مطالبات امام است: «به ایستادگان در مقابل آمریکا و سایر قدرت‌ها دعا کنید و بدانید که ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا، این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد.» (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۸۴) به نظر می‌رسد این انگشت اشاره نیز نیازمند توجه بیشتر مخاطبانش در عرصه‌های فرهنگی، معنوی است و مهندسی اجتماعی و فرهنگی کشور، نیازمند تقویت بنیادین این بخش از احساسات ملی و مذهبی مردم کشورمان برای تداوم مبارزه با نظام سلطه است. این همدلی و دعا، امروزه می‌تواند در قالب هنر و رسانه خود را به قلب میلیون‌ها آمریکایی برساند که در این کشور عیله نام سلطه بپا خاسته‌اند. اشارات رهبر شهید نیز در این عرصه قابل توجه است: مانند تأکید بر نفوذ محتوای انقلابی و سیاسی در هنر و متعهدکردن هنر و رسانه به اسلام نیازمند مخاطب‌یابی به‌صورت جدی در بخش‌های مختلف نظام اسلامی به‌ویژه قوای تقنینی و اجرایی است.

منبع: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی